

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی، میزان استفاده کاربران از منابع اطلاعاتی مراکز یادگیری مهارت‌های بالینی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان، تهران و شهیدبهشتی را بررسی می‌نماید. جامعه پژوهش را کلیه کاربران این مراکز تشکیل می‌دهد که شامل ۲۱۴ نفر از دانشجویان پزشکی ترم ۱۳۰۶ می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری گردیده است و ۶۷/۷۵ درصد از افراد مورد بررسی پرسشنامه را تکمیل و عودت داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان انواع منابع اطلاعاتی، تنها وجود مولاژها و مانکنها با اکثریت پاسخ‌بلی همراه بوده است که در مورد مولاژها ۹۲/۴ درصد و در مورد مانکنها ۹۳/۱ درصد از جامعه می‌باشد. بیشترین میزان استفاده نیز مربوط به همین منابع با یکبار در ماه (۲۳/۱ درصد) در مورد مولاژها و (۳۴/۱ درصد) در مورد مانکنها بوده است. در حالی که میزان استفاده از مولاژها و مانکنها در مرکز اصفهان که آموزش مهارت‌ها به صورت واحد درسی و دو جلسه در هر هفته انجام می‌شود بالاترین میزان بوده است که مولاژها با ۳۶/۱ درصد و مانکنها با ۵۰/۸ درصد حداقل هفته‌ای یکبار در این مرکز توسط کاربران مورد استفاده واقع شده است در حالی که در هیچیک از مراکز مورد مطالعه منابع اطلاعاتی چاپی نظیر کتب فارسی و لاتین یافت نمی‌شد، اولویت اول کاربران جهت کسب اطلاعات و مهارت‌های بالینی به کتب فارسی اختصاص یافته که از ۱۴۵ نفر جامعه پژوهش، ۱۰۰ نفر (۶۸/۹ درصد) آن را به عنوان اولین اولویت خود برای کسب اطلاعات و مهارت‌های بالینی انتخاب نموده‌اند؛ بالاترین میزان اولویت دوم نیز با ۳۵/۲ درصد جامعه به کتب لاتین تعلق دارد. کاربران این مراکز اطلاعات بالینی خود را بیشتر از کتابخانه شخصی و بیمارستانی (۶۶/۹ درصد) بدست می‌آورند و کتابخانه‌های دانشگاهی پس از کتابخانه شخصی با ۳۳/۸ درصد بیشترین انتخاب کاربران به عنوان اولویت اول بوده است حال آنکه منابع اطلاعاتی موجود در مرکز مهارت‌های بالینی تنها توسط یک نفر از کاربران به عنوان اولویت چهارم جهت کسب اطلاعات بالینی انتخاب شده و بقیه کاربران (۱۴۴ نفر: ۹۹/۳ درصد) هیچ اولیوی را به آن اختصاص نداده‌اند. عمده‌ترین دلایل عدم استفاده کاربران از مرکز مهارت‌ها برای کسب اطلاعات مهارت‌های بالینی عدم وجود کتب لاتین با ۹۵/۲ درصد و نبود کتب فارسی با ۸۹/۷ درصد از جامعه پژوهش بوده است. کمبود مولاژها (۸۰ درصد) و کمبود مانکنها (۷۹/۳ درصد) از دیگر دلایل عدم استفاده کاربران از مراکز مورد مطالعه می‌باشد. عدم آشنایی با منابع اطلاعاتی موجود در زمینه مهارت‌های بالینی (۴۹/۷ درصد) و عدم تمرکز منابع اطلاعاتی در مکان مشخصی مانند مرکز مهارت‌ها (۳۱ درصد) از دلایل عمده کاربران برای عدم استفاده از منابع می‌باشد. بیشترین درصد کاربران میزان رضایت خود را از منابع اطلاعاتی مراکز مورد مطالعه تا حدودی راضی (۴۲/۱ درصد) و ناراضی (۳۲/۴ درصد) اعلام نموده‌اند و تنها ۴/۱ درصد از جامعه پژوهش از منابع موجود در این مرکز بسیار راضی بوده‌اند. در مورد خدمات اطلاع‌رسانی نیز وضعیت مشابهی حاکم است و اکثریت جامعه (۴۹ درصد) از این خدمات اصلاً رضایت نداشته‌اند. کاربران مراکز مورد مطالعه بیشترین نیاز آموزشی خود را شیوه استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی با ۷۹/۳ درصد ابراز داشته‌اند و پس از آن روش یافتن مقالات و مدارک علمی با ۷۷/۲ درصد و شیوه استفاده از نرم‌افزارهای کامپیوتری در آموزش مهارت‌ها با ۷۳/۱ درصد قرار دارد. در پایان پیشنهاداتی چون تحقیق و بررسی جهت شناسایی منابع اطلاعاتی مورد نیاز این مراکز با توجه به اهداف آموزشی و نیاز کاربران، تولید و خریداری منابع اطلاعاتی چند رسانه‌ای، آموزش روش‌های استفاده از تکنولوژی اطلاعات و پایگاه‌های اطلاعاتی به کاربران و تمرکز منابع موجود در زمینه مهارت‌های بالینی برای پرورش آموزش فعال و خودآموز در میان کاربران، ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: کاربران- منابع اطلاعاتی، مراکز یادگیری مهارت‌های بالینی- منابع اطلاعاتی، مراکز یادگیری مهارت‌های بالینی- کاربران، منابع اطلاعاتی- میزان استفاده.